

گفتارهایی پیرامون

ایران و حقوق بین الملل انرژی هسته‌ای

تألیف

دکتر نادر ساعد

سرشناسه	: ساعد، نادر، ۱۳۵۳-
عنوان و نام پدیدآور	: گفتارهایی پیرامون ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای / تألیف نادر ساعد
مشخصات نامبر	: تهران: خرسندی، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.
شابک	: 978-964-2661-63-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۴۵-۲۴۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: سازمان ملل متحد. شورای امنیت -- قطعنامه‌ها.
موضوع	: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
موضوع	: انرژی اتمی -- ایران -- سیاست دولت.
موضوع	: منع گسترش سلاحهای هسته‌ای -- همکاریهای بین‌المللی.
موضوع	: سلاحهای هسته‌ای (حقوق بین‌الملل).
رده‌بندی کنگره	: ۳۷-ک ۵۶۷۵/س KZ
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۷/۱۷۴۷-۹۵۵:
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۱۹۴۲۰



انتشارات خرسندی

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - بالاتر از خیابان لیافی نژاد

کوچه بهشت آئین - پلاک ۲۱ - طبقه اول شرقی

تلفن: ۵۰۵۸۴-۶۶۴۹۰ و ۵-۳۴-۶۶۹۷۱

گفتارهایی پیرامون ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای

دکتر نادر ساعد

چاپ اول - ۱۳۸۷

۱۵۰۰ جلد

ناظر فنی: محسن کنگرانی

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۶۳-۲۶۶۱-۹۶۴-۹۷۸-۹78-964-2661-63-3 ISBN

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۷
فصل اول: حق دفاع و توسعه هسته‌های صلح آمیز و رویه جامعه بین‌المللی	۲۳
گفتار اول: حق غیرقابل سلب توسعه صلح آمیز هسته‌ای: بررسی انتقادی نظر و عمل	۲۵
بند اول: تعهدات ناشی از توسعه صلح آمیز هسته‌ای	۲۶
۱- تفسیر دوگانه دولت‌ها از حق توسعه هسته‌ای در پرتو موضوع و هدف معاهده	۲۸
۲- استنباط تعهدات حقوقی ناشی از حق بر توسعه هسته‌های صلح آمیز	۳۰
الف- تعهدات سلبی و پرهیز از مانع تراشی در فرایند توسعه صلح آمیز	۳۰
یک- خودداری از اقدامات ملی محدود کننده (کنترل‌های صادراتی ملی)	۳۰
دو- خودداری از اقدامات کنترلی موازی با معاهدات بین‌المللی	۳۱
ب- تعهد ایجابی و تسهیل مبادلات بین‌المللی صلح آمیز	۳۳
بند دوم: حفاظت از خود و حق توسعه پدافند ششم	۳۴
۱- حق بر تحقیق و توسعه پدافندی به منزله نوعی توسعه صلح آمیز	۳۵
۲- تعقیب و توسعه پدافند هسته‌ای، حتی مسلم در پرتو رویه دولت‌ها	۳۶
۳- پدافند هسته‌ای و روح قبول همکاری و نظارت پادمانی	۳۶
بند سوم: محدودیت‌های ناظر بر حق توسعه صلح آمیز هسته‌ای	۳۷
۱- تقدم منافع عمومی جامعه بین‌المللی بر منافع فردی دولت‌ها	۳۷
۲- عدم توزیع فواید بالقوه کاربردهای صلح آمیز آزمایش هسته‌ای (ماده ۵)	۳۸
نتیجه‌گیری	۳۹
گفتار دوم: مبانی و چارچوب حقوقی توسعه فناوری دفاع و پدافند هسته‌ای	۴۴
بند اول: پی‌جویی مؤلفه‌های مفهوم‌شناختی تکنولوژی دفاع NBC	۴۶
۱- تعبیر و تفسیر تکنولوژی یا فناوری در حوزه دفاع	۴۷
۲- مفهوم حقوقی دفاع در تبیین نوع فناوریهای نظامی مجاز	۴۸
۳- امنیت ملی در جدال با غیرقابل دفاع بودن سلاحهای NBC	۴۸
بند دوم: تکنولوژی دفاع NBC و هنجارهای حقوقی در محیط بین‌المللی	۵۲
۱- توسعه فناوری دفاع هسته‌ای و معاهده ۱۹۶۸ عدم گسترش	۵۳
۲- تعهدات بین‌المللی ناظر بر توسعه تکنولوژی دفاع هسته‌ای	۵۵
۳- تعهد جامعه بین‌المللی در خصوص تسهیل توسعه فناوری‌های دفاعی	۵۷
۲- تعقیب و توسعه پدافند NBC، حتی مسلم در پرتو رویه دولت‌ها	۵۸

- بند سوم: مبانی حقوقی مقبولیت برنامه‌های ملی فناوری دفاع NBC..... ۶۱
- ۱- ملازمه حق دسترسی به فناوری و دفاع NBC و حق تضمین امنیت عمومی..... ۶۱
- ۲- فقدان قواعد منع کننده فناوری دفاعی در جامعه بین الملل..... ۶۲
- ۳- استلزامات تناسب حفظ جمعیت با تهدیدهای محیط منطقه‌ای..... ۶۲
- نتیجه‌گیری..... ۶۳
- گفتار سوم: چارچوب اقدامات شفاف سازی در حقوق بین الملل هسته‌ای و رویه ایران..... ۶۴
- ۱- مجاری شفافیت در محیط استراتژیک..... ۶۵
- الف- ارائه اطلاعات..... ۶۵
- ب- تکمیل فرمهای خاص..... ۶۵
- پ- بازدید و بازرسی بین المللی (دو یا چند جانبه)..... ۶۶
- ت- انعقاد قرارداد منع تجاوز..... ۶۶
- ث- مشارکت بین المللی یا بین الدولی در انجام پروژههای حساس..... ۶۷
- ۲- شفافیت و بازدارندگی در امور دفاعی: شفافیت بازدارنده..... ۶۷
- نتیجه‌گیری..... ۶۸
- گفتار چهارم: نقد و ارزیابی قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی..... ۶۹
- بند اول: نگاهی به گزارش آخر دبیرخانه آژانس به عنوان مبنای صدور قطعنامه جدید شورای حکام..... ۷۱
- بند دوم: محورهای بررسی برنامه هسته‌ای ایران در نشست سپتامبر شورای حکام و مفاد قطعنامه نهائی..... ۷۲
- ۱- مساله تعلیق و از سرگیری غنی سازی..... ۷۲
- ۲- تبدیل اورانیوم و ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین..... ۷۴
- ۳- عدم تصویب پروتکل الحاقی توسط ایران: به سوی تضمین اجرای دائمی پروتکل..... ۷۵
- ۴- فناوری غنی سازی و مسائل مرتبط با برنامه P1 و P2..... ۷۶
- ۵- منشأ آلودگی‌های بدست آمده در ایران..... ۷۶
- بند سوم: مقایسه گزارش مدیرکل با مفاد قطعنامه نهائی: بی تفاوتی شورای حکام به اثربخشی همکاریهای ایران و تأکيدات دبیرخانه آژانس..... ۷۷
- ۱- سکوت آژانس در مورد وضعیت اظهارنامه‌های هسته‌ای ایران..... ۷۸
- ۲- سکوت نسبت به عادی شدن جزئی روابط ایران و آژانس..... ۷۸
- نتیجه‌گیری..... ۷۸
- گفتار پنجم: فراز و فرود حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: آغاز فرایند رسیدگی شورای امنیت..... ۸۱
- چکیده..... ۸۱
- مقدمه..... ۸۱

- بند اول: بررسی پرونده هسته‌ای ایران در پهنه اقتدارات شورای امنیت..... ۸۴
- ۱- ارزیابی آژانس از پایبندی به تعهدات هسته‌ای و جلب توجه شورای امنیت..... ۸۴
- ۲- ماهیت حقوقی ارسال پرونده ایران به شورای امنیت..... ۸۵
- ۳- جایگاه و صلاحیت شورای امنیت در عرصه فعالیت‌های هسته‌ای..... ۸۶
- بند دوم: حل و فصل اختلاف در تفسیر و اجرای حقوق بین‌الملل عدم گسترش..... ۸۹
- ۱- محورهای کلی تأمل در حل و فصل اختلافات مربوط به پرونده هسته‌ای..... ۹۰
- الف- تفسیر حقوقی ماده ۱۷ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی..... ۹۰
- ب- مفهوم «طرفین اختلاف» در ماده ۱۷ اساسنامه آژانس..... ۹۱
- ۲- پیامدهای فرایند حل و فصل اختلاف بر روند بررسی پرونده هسته‌ای..... ۹۳
- بند سوم: مسأله خروج از معاهده عدم گسترش و پادمان هسته‌ای یا آژانس..... ۹۴
- بند سوم: بیاتیه رئیس شورای امنیت و آخرین گزارش مدیرکل آژانس..... ۹۶
- ۱- بیاتیه رئیس شورای امنیت و تأیید کامل عملکرد شورای حکام..... ۹۷
- الف- التزام شورا به معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای..... ۹۸
- ب- شناسایی حق برابر دولتهای عضو یا رعایت مواد ۱ و ۲ معاهده عدم گسترش..... ۹۸
- پ- سایر موارد:..... ۹۹
- ۲- آخرین گزارش مدیرکل آژانس در مورد اجرای پادمان در ایران..... ۱۰۰
- نتیجه‌گیری..... ۱۰۲
- فصل دوم: قطعنامه‌های شورای امنیت و مسائل حقوقی ناشی از آن..... ۱۰۵
- گفتار اول: فراز و فرود حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: آغاز فرایند رسیدگی شورای امنیت..... ۱۰۷
- بند اول: خلاصه وضعیت ایجابی قطعنامه..... ۱۰۸
- بند دوم: پیامدهای عمده قطعنامه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران..... ۱۰۹
- ۱- تعلیق فعالیت‌های حساس هسته‌ای از جمله تحقیقات و توسعه غنی‌سازی..... ۱۰۹
- ۲- منع انتقال مواد دوماظوره هسته‌ای و موشکی ایران..... ۱۱۰
- ۳- محرومیت‌های فنی و مالی ایران..... ۱۱۲
- ۴- منع ادامه تحصیل ایرانیان در خارج از کشور..... ۱۱۳
- بند سوم: سازماندهی روند اجرای قطعنامه..... ۱۱۳
- ۱- ایجاد کمیته‌ای ویژه در شورای امنیت..... ۱۱۴
- ۲- نقش غنی‌سازی در حل اساسی بحران..... ۱۱۴
- ۳- گزارش بعدی مدیرکل آژانس..... ۱۱۵
- ۴- امکان تعلیق اجرای قطعنامه و حتی خاتمه تحریمها..... ۱۱۵
- نتیجه‌گیری..... ۱۱۶

گفتار دوم: تحکیم بین‌المللی حق ایران بر انرژی هسته‌ای صلح آمیز: ارزیابی حقوقی سیر نظر و عمل..... ۱۱۹

چکیده..... ۱۱۹

مقدمه..... ۱۱۹

بند اول: جدال توسعه انرژی هسته‌ای: تعارض قواعد حقوقی یا منافع سیاسی..... ۱۲۲

بند دوم: چارچوب حقوقی حل اختلاف پیرامون حقوق هسته‌ای ایران..... ۱۲۴

۱- گستره دادخواهی ایران بر اساس موازین حقوقی..... ۱۲۴

۲- تفکیک شیوه‌های ترافیعی و مشورتی در اساسنامه آژانس..... ۱۲۵

بند سوم: بنیادهای حقوقی در ترسیم دعوای هسته‌ای ایران..... ۱۲۷

۱- دادخواهی علیه سه دولت اروپائی..... ۱۲۷

۲- درخواست تنوییری علیه رویکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی..... ۱۲۸

بند چهارم: ابهامات رسیدگی قضائی بین‌المللی به حقوق هسته‌ای ایران..... ۱۲۹

بند پنجم: درخواست صدور قرار موقت و جبران خسارت..... ۱۳۰

نتیجه‌گیری..... ۱۳۲

گفتار سوم: حقوق در بند سیاست تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای ایران..... ۱۳۵

چکیده..... ۱۳۵

مقدمه..... ۱۳۵

بند اول: شورای امنیت و پرونده هسته‌ای: تضمین حقوق یا سیاست بین‌الملل؟..... ۱۳۸

۱- التزام به معاهده عدم گسترش و مرزبندی حقوق و تعهدات آن از نظر شورا..... ۱۳۹

۲- سایه جامعه جهانی بر روند ارزیابی پرونده هسته‌ای ایران..... ۱۴۱

۳- تطبیق وضعیت برنامه هسته‌ای با فصل هفتم منشور..... ۱۴۲

۴- تکالیف مالایطاق در روند تقریر تعهدات ایران..... ۱۴۳

بند دوم: تعهدات ایران و جامعه دولتها در قبال برنامه هسته‌ای..... ۱۴۴

۱- تعهد ایران به عدم فروش هرگونه تسلیحات..... ۱۴۴

۲- تعهد کلیه دولتها به منع تسهیل فروش تسلیحات از سوی ایران..... ۱۴۵

۳- تعهد کلیه دولتها به عدم فروش اقلام عمده نظامی به ایران..... ۱۴۶

۴- تعهد دولتها و سازمانهای مالی به عدم اعطای اعتبارات جدید به ایران..... ۱۴۷

۵- تعهد کلیه دولتها به گزارش دهی..... ۱۴۷

۶- تمسک به احتمالات دکترین جنگ نامتقارن در ایران..... ۱۴۸

بند سوم: ایران، شورای امنیت و چشم‌انداز آینده برنامه هسته‌ای..... ۱۴۹

۱- دورنمای ترسیم شده در قطعنامه..... ۱۵۱

الف- جایگاه مذاکره در دورنمای حل جدال هسته‌ای..... ۱۵۱

- ب- جایگاه آژانس در حل بحران هستهای ۱۵۲
- پ- دستور کار اجلاس بعدی شورای امنیت ۱۵۵
- ۲- دورنمای مبتنی بر مواضع و اقدامات ایران ۱۵۶
- گفتار چهارم: موازن حقوقی ناظر بر رسیدگی شورای حکام به مسائل مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی: نمونه پرونده هستهای ۱۵۹
- بند اول: سلسله مراتب اعتباری شورای حکام و شورای امنیت ۱۶۱
- ۱- نظام عدم گسترش سلاحهای هستهای به عنوان حقوق پاتین دست ۱۶۱
- ۲- برآیندهای حقوقی تمسک شورای امنیت به آژانس در امور هستهای ۱۶۲
- بند سوم: الزامات حقوقی در خروج پرونده هستهای از دستور کار شورای امنیت ۱۶۶
- ۱- آئین کار و مصوبات شورای امنیت ۱۶۷
- ۲- مسأله توافق ضمنی یا بازگشت خودکار؟ ۱۶۷
- ۳- دیالکتیک وضعیت موجود و انصراف از ادامه رسیدگی ۱۶۹
- ۴- ملاحظات در مورد تصمیم‌گیری شورای امنیت ۱۶۹
- نتیجه‌گیری ۱۷۰
- فصل سوم: بررسی گزارش‌های آژانس متعاقب صدور قطعنامه‌های شورای امنیت ۱۷۳
- گفتار اول: گزارش البرادعی در مورد اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت ۱۷۵
- ۱- توجیه الزام آژانس به رعایت تصمیمات شورا و برتری شورای امنیت ۱۷۵
- ۲- نقد تفاسیر آژانس از تعهدات ناشی از قطعنامه ۱۷۳۷ ۱۷۷
- ۳- اقدامات دبیرخانه آژانس در خصوص برنامه هستهای ۱۷۹
- ۴- توصیه‌های مدیرکل آژانس به شورای حکام ۱۸۰
- نتیجه‌گیری ۱۸۰
- گفتار دوم: تحلیل گزارش مدیرکل آژانس در چارچوب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت ۱۸۲
- بند اول: نکات مثبت گزارش ۱۸۲
- ۱- تایید عدم تجاوز سطح غنی‌سازی ایران از زیر ۵ درصد ۱۸۳
- ۲- تایید صحت اظهارات ایران در خصوص سیاهه مواد هستهای ۱۸۳
- ۳- فراهم شدن دسترسی بازرسان به چرخه تحقیق و توسعه ۱۸۳
- ۴- موافقت ایران با پایش غنی‌سازی ۱۸۴
- ۵- عدم اجراز فعالیت‌های بازفرآوری در تاسیسات هستهای ۱۸۴
- ۶- اعلام آمادگی دیپلماسی هستهای ایران با محوریت مذاکره ۱۸۴
- ۷- تایید کلی پایبندی ایران به پادمان هستهای ۱۸۵
- بند دوم: نقاط منفی گزارش برای جمهوری اسلامی ایران ۱۸۵

- بند سوم: تاملی بر دو مسأله حل نشده..... ۱۸۶
- ۱- اختلاف در نظارت بر آبشارهای جدید غنی سازی..... ۱۸۶
- ۲- آلودگی های هسته ای..... ۱۸۷
- بند چهارم: برای حل بحران چه باید کرد: نظر دبیرخانه آژانس..... ۱۸۸
- نتیجه گیری..... ۱۸۹
- گفتار سوم: دورنمای گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی در خرداد ۸۶..... ۱۹۱
- بند اول: نقاط مثبت و منفی گزارش در ارزیابی عملکرد هسته ای جمهوری اسلامی ایران..... ۱۹۳
- ۱- نقاط مثبت گزارش برای جمهوری اسلامی ایران..... ۱۹۴
- الف. پذیرش بازرسی های سرزده از فعالیتهای غنی سازی..... ۱۹۴
- ب- تایید فقدان فعالیتهای بازفرآوری..... ۱۹۵
- ۲- موارد منفی گزارش در ارزیابی عملکرد هسته ای کشور..... ۱۹۶
- الف- افزایش فعالیت ها و سطح غنی سازی..... ۱۹۶
- ب- عدم ارائه اطلاعات به سبک گذشته..... ۱۹۶
- پ- عدم دسترسی به راکتور تحقیقاتی ایران..... ۱۹۷
- ت- عدم استقبال از اقدامات شفاف ساز..... ۱۹۷
- ث- سایر موارد منفی مندرج در گزارش..... ۱۹۸
- ۳- بررسی های در حال انجام در دبیرخانه آژانس..... ۱۹۸
- بند دوم: اطلاعات طراحی: جدال حقوقی بر سر تفسیر..... ۱۹۹
- ۱- نظر و دیدگاه حقوقی ایران..... ۱۹۹
- ۲- دیدگاه دبیرخانه آژانس..... ۱۹۹
- ۳- تحلیل حقوقی دیدگاهها..... ۲۰۰
- نتیجه گیری..... ۲۰۰
- پیشنهادهای راجع به حل پرونده هسته ای..... ۲۰۱
- ۱- پیشنهاد البرادعی در گزارش اخیر: بازگشت به همکاری های گذشته..... ۲۰۱
- ۲- پیشنهاد البرادعی بعد از گزارش: راه حل بینابین با قبول سطح محدود غنی سازی در ایران..... ۲۰۲
- ۳- پیشنهاد اروپا: مذاکره..... ۲۰۳
- گفتار چهارم: گزارش بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی: زمینه ساز از سرگیری نوجدید مذاکرات هسته ای..... ۲۰۴
- ۱- آژانس و آخرین خبر از پیشرفت های هسته ای کشور..... ۲۰۵
- ۲- از سرگیری دور جدید مذاکرات هسته ای..... ۲۰۶
- ۳- اصرار بر مواضع فراقانونی..... ۲۰۷

- ۴- نتایج دو دور مذاکرات لاریجانی و سولانا ۲۰۸
- الف- ماهیت نشست آنکارا: مذاکره کلی برای مذاکرات تفصیلی ۲۰۹
- ب- تأیید برخی مواضع ایران در جریان مذاکرات ۲۰۹
- مذاکره و رعایت موازین با نظارت آژانس ۲۱۰
- ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ۲۱۱
- پ- دیدگاه سولانا در خصوص مذاکرات آنکارا ۲۱۱
- نتیجه: تفوق بر مانع تراشی‌های غرب ۲۱۲
- نتیجه‌گیری نهائی: انرژی هسته‌ای و پدیده انکسار در نظم حقوقی بین‌المللی؟ ۲۱۴
- «ضمایم» ۲۱۷
- متن کامل قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران ۲۱۷
- قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت مورخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ ۲۱۷
- پیوست ۲۲۵
- الف - نهادهای درگیر در برنامه هسته‌ای ۲۲۵
- ب - نهادهای درگیر در برنامه موشک‌های بالستیک ۲۲۵
- پ - افراد درگیر در برنامه هسته‌ای ۲۲۵
- ت - افراد درگیر در برنامه موشک‌های بالستیک ۲۲۶
- ث - افراد درگیر در هر دو برنامه موشکی و هسته‌ای ۲۲۶
- ۲- قطعنامه ۱۷۳۷ مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ ۲۲۷
- پیوست قطعنامه ۱۷۳۷ ۲۳۵
- الف - نهادهای درگیر در برنامه هسته‌ای ۲۳۵
- ب - نهادهای درگیر در برنامه موشک‌های بالستیک ۲۳۵
- پ - افراد درگیر در برنامه هسته‌ای ۲۳۵
- ت - افراد درگیر در برنامه موشک‌های بالستیک ۲۳۶
- ث - افراد درگیر در هر دو برنامه موشکی و هسته‌ای ۲۳۶
- ۲- قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت مورخ ۲۴ مارس ۲۰۰۷ ۲۳۷
- پیوست قطعنامه ۱۷۴۷ ۲۴۱
- پیوست اول ۲۴۱
- نهادهای درگیر در اقدامات هسته‌ای یا موشکی بالستیک ۲۴۱
- واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۴۱
- افراد درگیر در فعالیت‌های هسته‌ای یا موشکی بالستیک ۲۴۲
- اشخاص کلیدی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۴۲

۲۴۳	پیوست دوم
۲۴۳	عناصر توافقی بلند مدت
۲۴۴	عرصه‌های همکاری آتی که باید تحت پوشش مذاکرات راجع به توافق بلندمدت قرار گیرد
۲۴۴	۱- هسته‌ای
۲۴۴	حقوق ایران در زمینه انرژی هسته‌ای
۲۴۴	رآکتورهای آب سبک
۲۴۴	تحقیقات و توسعه انرژی هسته‌ای
۲۴۴	تضمین‌های سوخت
۲۴۴	بازنگری و مرور استمهال
۲۴۵	۲- سیاسی و اقتصادی
۲۴۵	همکاری امنیتی منطقه ای
۲۴۵	تجارت و سرمایه گذاری بین‌المللی
۲۴۵	هوابیمائی کشوری
۲۴۵	شرکت در بخش انرژی
۲۴۵	زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور
۲۴۵	همکاری در خصوص ابر فناوری
۲۴۵	کشاورزی
۲۴۶	منابع و مآخذ
۲۴۶	الف - منابع فارسی
۲۴۸	ب - منابع انگلیسی
۲۵۱	نمایه

پیشگفتار

حقوق، مجموعه موازین حاکم بر سامان دادن روابط جمعی در خلال اجتماع یا اجتماعات انسانی است و حقوق بین الملل، روابط بازیگران بین المللی و عمده ترین ابعاد بین المللی روابط جمعی را تنظیم می نماید. بدون شک، اجتماع یا جامعه بین المللی به دلیل خصایص خاصی که دارد، از اجتماعات داخلی، مجزا و متمایز است. «ساختار و سازمان»^۱ جامعه بین المللی، «فرایند»^۲ ناظر ارتباطات جمعی و همچنین «بازیگران»^۳ آن (به ویژه بازیگران صوری یا اشخاص حقوقی بین المللی)، خواه ناخواه موجب شده «قواعد»^۴ حاکم بر آنها نیز بسیار متفاوت (هم از حیث محتوا و هم شکل) از مقوله های مجری در سیستم های حقوقی داخلی باشد. با اینکه قواعد مشترک در نظام های مهم حقوقی جهان و همچنین اشتراک در بسترهای فرهنگی، اخلاقی و انسانی شکل گیری موازین حقوقی بین المللی (به عنوان بخشی از میراث مشترک انسانی)، به نوعی موجب تسهیل در وحدت و همگن شدن برخی از اصول حقوقی کلی می گردد، اما پوزیتیویسم حقوقی مجری در محیط بین المللی، استقلال و هویت مجزای این قواعد را تحکیم نموده است. در این صورت، جای شگفتی نیست که فرایند شکل گیری و اوصاف موازین حقوق بین الملل، به ویژه وضعیت ضمانت اجرایی آن و همچنین تاثیر رابطه قدرت در سطح بین المللی بر اجرا یا نقض قواعد، به گونه ای است که برای برخی متخصصین حقوق داخلی، خارج از چارچوب حقوقی به نظر برسد. اما برای آشنایان به حقوق بین الملل که ظرایف محیط بین المللی را هم در مرحله وجودی قواعد حقوقی و هم حیات اجرایی آن مدنظر دارند، اندیشه و استدلال های مستحکمی در مورد اقتضائات هر یک از این دو مرحله وجود دارد که به نوبه خود مسیر توسعه تدریجی حقوق بین الملل را هموار می سازد.

همت و کارکرد حقوق بین الملل، نه در مقابله و مبارزه با قدرت برای امحای آن بلکه در سازمان و سامان دادن به شکل گیری و بروز و ظهور آن در محیط بین المللی (و حتی محیط ملی) است. جامعه بین المللی که متشکل از دولت ها و سازمان های بین المللی است و حقوق بین المللی که ناگزیر توسط

1 . Structure and organization

2 . Process

3 . Actors

4 . Rules

همین بازیگران شکل می‌گیرد، نمی‌تواند جز سازمان دادن به مسیر رشد و تعالی جامعه بین‌المللی، ماندگاری ساختارها را مادامی که هنجارهای بنیادین ناظر بر مسیر و هدف جامعه بین‌المللی تغییر نکرده است، در معرض تغییر اساسی قرار دهد. حقوق بین‌الملل نمی‌تواند به صورت ذهنی عمل کند و بدون اراده و تمایل معتبر سازندگان و واضعان خود، آنها را از صحنه جامعه حذف نماید. بدون شک، همین وضعیت در مورد حقوق داخلی نیز صادق است. با این تفاوت که در حقوق داخلی، مرزبندی اشخاص به فرمانروا و فرمانبر یا واضح و موضوع، نقش شخص انسانی در تصمیم‌سازی‌ها را برجسته نگه می‌دارد و به عکس، نقش اشخاص حقوقی (بازیگران صوری یا فرضی) را در حاشیه قرار می‌دهد. اما در حقوق بین‌الملل، اشخاص حقوقی به عنوان بازیگران اصلی هستند و اشخاص حقیقی هرچند در مسیر توسعه فزاینده حضور در هسته روابط بین‌المللی هستند و ممکن است چارچوب و محتوای نظم حقوقی آتی را متحول سازند (lex ferrenda)، در وضعیت کنونی تنها به صورت حاشیه‌ای در ساخت و پرداخت این نظام حقوقی سهیم‌اند (lex lata).

با این حال، این نظام نیز اصولی بنیادین دارد که اغلب آنها از بدو پیدایش این حقوق، وجود داشته و ثباتی نسبتاً قطعی دارند. در این میان می‌توان به اصل برابری حاکمیت دولتها (حاکمیت دولتها از یک سو و برابری حقوقی آنها از دیگر سو) یاد کرد که سنگ بنای حقوق بین‌الملل است. حاکمیت دولت و صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی ساخته دولتها، مبنا و منشأ هدایت مسیر ایجاد، اجرا و توسعه حقوق بین‌الملل است. اصل حاکمیت دولت نتایجی حقوقی در پی دارد که آزادی عمل آنها در محیط بین‌المللی را جز در مواردی که قواعد صریحی برای محدودیت آن وجود دارد، حفظ می‌نماید. در واقع، دامنه حاکمیت دولتها نیاز به تعیین و احصاء ندارد بلکه محدودیت آن مستلزم تصریح در حقوق موجود است. اما گاه برای شفاف‌تر شدن مصادیق معینی از این حاکمیت در حوزه‌های مختلف امور بین‌المللی، به ویژه در قالب معاهدات بین‌المللی، به آنها اشاره می‌شود. نمونه آن، معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای (مضوب ۱۹۶۸) موسوم به «ان.پی.تی.» است که چون در آن، دولتها قصد داشته‌اند پاره‌ای از فعالیت‌ها و آزادی عمل خود در خصوص انرژی هسته‌ای را محدود نمایند و از حاکمیت دولت خارج سازند (بخش تعهدات)، رابطه این محدودیت‌ها با اصل حاکمیت دولت بر انرژی هسته‌ای را به نتیجه‌ای معقول منتهی ساخته‌اند: حق ذاتی دولت در بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز. در واقع، حق حاکمیت کامل و نامحدود بر انرژی هسته‌ای را با منع تولید و توسعه سلاحهای هسته‌ای، تعدیل کرده‌اند اما ذاتی و غیرقابل سلب بودن حق توسعه هسته‌ای صلح‌آمیز را از آن نتیجه گرفته و در ماده ۳ آن معاهده تصریح نموده‌اند.

با اینکه تفسیر حق توسعه هسته‌ای صلح‌آمیز با در نظر گرفتن فرایند تحول حاکمیت دولتها، دوام و قوام بخش غیرقابل سلب بودن این حق حتی توسط جامعه بین‌المللی است، اما در عمل برخی از دولتها با تأثیرپذیری از رابطه قدرت که خواه ناخواه، یکی از واقعیات حاکم بر جامعه بین‌المللی (محصل نشو و نمای حقوق بین‌الملل) است، هنجارهای حقوقی را چنان تفسیر می‌نمایند که تمایلات سیاسی

خود را محقق ساخته و جامه عمل بپوشانند، بدون اینکه این امر، ناسازگار با نظم حقوقی بنمایاند. نمونه این امر، وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز کشورمان و فرایند بین‌المللی ناظر بر بررسی این فعالیت‌ها در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد است که به دلیل اهمیت مباحث راجع به آن در شرایط کنونی کشور، لازم شد پاره‌ای از ابعاد حقوقی بین‌المللی آن را که متناسب با تحولات و با پیگیری‌های مستمر آنها، تحلیل کرده بودیم، در مجموعه‌ای به عنوان «ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای» تقدیم نماییم. البته تدقیق در این موضوعات مستلزم مطالعات پایه در مورد حقوق بین‌الملل عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که در سال ۱۳۸۴ محورهای اصلی آن در کتابی با عنوان «حقوق بین‌الملل و نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای» از طریق انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش و به تشویق دکتر سید قاسم زمانی به چاپ رسید. امید است این مجموعه که ناظر بر تحلیل مصداقی ایران و مجادله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان است، مورد توجه و استفاده جامعه حقوقی کشور قرار گیرد. در خاتمه، ضروری است از مساعدت و همت استوار جناب خرسند، مدیر محترم انتشارات خرسندی در انتشار این اثر و تسریع در انجام اقدامات مربوط به آن سپاسگزاری نمایم.

نادر ساعد

شهریور ۱۳۸۶

مقدمه

حاکمیت دولت، منشأ و خاستگاه تاریخی پیدایش حقوق بین‌الملل است.^۱ بدین معنا که در غیاب یک نیروی ماورای ملی و اقتدارات عالیه فراقشوری برای قانونگذاری و اجرا در سطح جهانی،^۲ این دولتها هستند که با تحدید حاکمیت خود به نفع منافع مشترک، نظم حقوقی بین‌المللی را پایه ریزی می‌کنند. بنابراین، نظم حقوقی بین‌المللی عمدتاً از محدود شدن ارادی حاکمیت دولتها پدید می‌آید. بر اساس رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوتوس، «قواعد حقوق بین‌الملل که دولتها ملزم به رعایت آن هستند، از اراده آزاد آنها و از طریق پذیرش کنوانسیون‌ها و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، نشأت می‌گیرد».^۳ بر اساس رأی دیوان دائمی در قضیه ویمپلدون، تعهد یک دولت برای فعل یا ترک فعلی، به منزله اعراض از حق حاکمیت نبوده بلکه حق پذیرش این گونه تعهدات، یکی از مظاهر حاکمیت دولتها است. با این حال، همانگونه که برخی حقوقدانان اذعان دارند، «نظم عمومی بین‌المللی به منزله محیط پیرامون تمهید انعقاد معاهدات و سایر قواعد حقوقی را نباید در سایه آزادی بودن حقوق مورد بی‌توجهی قرار داد زیرا همه معاهدات در چارچوب نظم عمومی بین‌المللی است که اعتبار می‌یابند».^۴

در تحلیل سیستماتیک جامعه بین‌المللی، کنشهای هر دولت تحت تأثیر کنشهای دولت یا دولتهای دیگر قرار گرفته تا آنجا که از مجموع این کنشها، نظمی پدید آمده که در اثر تکرار و استمرار صورت قاعده به خود گرفته و یا به واسطه عوامل مکمل در قالب معاهدات بین‌المللی مشروعیت یافته است.^۵ دولتها به عنوان تشکیل دهنندگان اصلی این جامعه، «هر یک از مقام و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای برخوردارند تا آن حد که از ترکیب آنها، جامعه‌ای نامتجانس پدید آمده» که در آن با اینکه داعیه حقوق

۱. منظور، خاستگاه به مفهوم صوری آن است: خاستگاهی که اگر به واقع، محتوای نظم حقوقی را به طور کامل شکل نمی‌دهد، در شناسائی نیازهای بین‌المللی و اجزای هنجارهایی که برآیند منابع واقعی و حقیقی حقوق بین‌الملل است، نقش اصلی را ایفا می‌کند.

۲. سعید میرزائی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت دولتها در سازمان ملل متحد، (تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۷.
3. EPIL, vol. 2, p. 173.

۴. نظر دکتر هدایت اله فلسفی در: نادر ساعد، «تأملی بر اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات در آئینه تحولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، مجله حقوقی، (شماره ۳۲، ۱۳۸۴)، ص ۵۵، زیرنویس ۶.

۵. دکتر هدایت اله فلسفی، «روشهای شناخت حقوق بین‌الملل: شناخت منطقی حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، (شماره ۱۰، بهار - تابستان ۱۳۷۱)، ص ۱۵۰.

و منافع جمعی و یا حقوق بشریت وجود داشته و به صورت تدریجی در حال گسترش است. اما به واقع، «هر عضوی فقط در جهت تحقق منافع خویش فعال است»^۱ و منفعت خود را حتی در سایه بی‌توجهی به منفعت جمعی نیز دنبال می‌نماید. در مورد دولتهای ذی نفوذ در جامعه بین‌المللی که به واقع، رویکرد منفعت‌گرائی ملی را با ابزارهای قدرت ساز توأم می‌نمایند، از بشریت و جامعه بین‌المللی تنها در همین مسیر استفاده می‌شود. طبیعی است هراندازه این رویکرد بسط یابد، حقوق حاکم بر جامعه بین‌المللی بسامان نیز گامی به عقب رانده می‌شود. در این صورت است که نظم و امنیت جمعی دچار آسیب می‌گردد.

در نگاه اول، حقوق و تکالیف هسته‌ای دولتها در قالب کمک به صلح جهانی (چه در قالب عدم تهدید موثر و چه برقراری موازنه در ابزارهای قدرت بویژه تعادل و توازن در سطح توسعه) بسیاری از تاسیسات حقوقی را پیچیده نموده و تعارض قواعد حقوق بین‌الملل را در نتیجه اختلاف نظر دولتها در تفسیر و اجرای این قواعد، در پی داشته است.^۲ سوابق سه سال بررسی «نحوه اجرای موافقتنامه پادمان بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» که به تسامح «پرونده هسته‌ای ایران» نام گرفته است، به خوبی این تعارض‌ها را با تکیه بر مناسبات مواد ۱ و ۴ آن، بی‌نی. در مورد دولتهای غیر هسته‌ای،^۳ منعکس ساخته و نمایانده است. از یک سو، ایران به عنوان دولتی که در پذیرش تعهدات بین‌المللی عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای و اتم برای صلح پیشقدم بوده و نزدیک به چهار دهه این مقررات را پذیرا شده، انتظار دارد که از مزایای شناخته شده در پرتو عضویت در این معاهدات (اساسنامه آژانس و بویژه معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای و پادمان آن اعم از پادمان اولیه ۱۹۷۴ و اجرای موقت پادمان جامع ۱۹۹۷) بهره‌مند گردد و از سوی دیگر، برخی دولتها و در نتیجه شورای حکام آژانس با تکیه بر الزامات مربوط به ممنوعیت هرگونه گسترش سلاح و تکنولوژی تسلیحاتی هسته‌ای، استفاده صلح آمیز از این انرژی را تنها در صورتی «حق مسلم و غیرقابل سلب» می‌شمارند که تضمین شود در واقع منحصراً برای چنین مقاصدی بکار گرفته شده و به سمت و سوی تولید سلاح هسته‌ای منحرف نمی‌شوند.

بدین ترتیب، حق حاکمیتی و غیرقابل سلب توسعه انرژی هسته‌ای برای کاربردهای صلح آمیز، منوط به اثبات حسن نیت در برنامه‌ها و اقدامات هسته‌ای و خودداری از هرگونه تخلف از این تعهدات سلبی و ایجابی شده به گونه‌ای که ابهامات و برخی موارد قصور یا تخلف در اطلاع‌رسانی اقدامات

۱. همان منبع، ص ۱۵۸.

۲. نادر ساعد، «فراز و فرود حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: از شورای حکام تا شورای امنیت»، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۹، ۸۵، ص ۱۳.

۳. از نظر حقوقی تردیدی وجود ندارد که حقوق مقرر در ماده ۴ را باید در پرتو تعهدات مندرج در مواد ۱ و ۲ آن معاهده تفسیر کرد. نک به: دکتر هدایت اله فلسفی، «ابراوری دولتها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای»، مجله حقوقی، شماره ۱۹-۱۸، ۷۴-۷۳، ص ۲۲ و دکتر جمشید ممتاز، حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، (تهران، دادگستر، ۷۵)، ص ۳۸.

هسته‌ای گذشته.^۱ تمایل به معلق کردن حق مذکور را بیشتر نموده و در هر حال، نه تنها بحرانی در عرصه بین‌المللی خلق کرده بلکه قالب‌های موجود حقوقی را نیز به تحول واداشته^۲ تا در خصوص مسائل جدید مرتبط با حقوق بین‌الملل هسته‌ای، پاسخ قانع کننده تعقیب و جستجو شود.

همانطور که در موارد متعددی از این نوشتار تاکید شده است، دقت و صحت عمل در عرصه حقوق بین‌الملل، اندیشه‌ای جامع و دانشی فراگیر می‌طلبد و توجه به مبانی، بسترها و مولفه‌هایی غیرحقوقی را که در ساخت و پرداخت هر قاعده سهیم هستند، الزامی می‌سازد. در واقع، اگر کار حقوقدان در کل، «احراز وقایع، شناخت دقیق و علمی قواعد و نهایتاً تطبیق وقایع و مصادیق عینی بر قواعد کلی» باشد، با دانش صرفاً حقوقی بین‌المللی نمی‌توان این سه جزء از وظیفه حقوقی را به عمل آورد. در واقع، شناخت وقایع نه تنها صورت قضیه بلکه اجرای حقیقی تشکیل دهنده آن را در بر می‌گیرد حتی اگر این عناصر و مولفه‌ها، در ابتدای امر وصف و ماهیت حقوقی نداشته باشند. «به نظر می‌رسد که حقوق بین‌الملل به دلیل صبغه سیاسی مبنای ارادی شکل‌گیری آن (ارادی بودن نهفته در اصل حاکمیت دولتها)، به سختی می‌تواند بی‌توجه به مسائل سیاسی رشد و نمو یابد. محیط رشد و نمو حقوق بین‌الملل، اجتماعی سیاسی و آکنده از مؤلفه‌های غیرحقوقی است و همت نظم حقوقی، تکوین و تحول متناسب با بستر اجتماعی آن و سایر عناصر دخیل در این محیط است^۳ و ضروری است مناسبات و دیالکتیک حقوق و قدرت مدنظر قرار گیرد.

برای روشن شدن واقعیت قضیه، گاه حقوقدان ناچار است به گنّه قضیه که امور غیرحقوقی است و دلایل اصلی تدوین یک سند و اتخاذ تصمیم را تشکیل می‌دهد، توجه کند. در غیر این صورت، نه تنها تحلیل دقیق میسر نیست بلکه تحلیل صرفاً ذهنی ارائه خواهد شد که جز در محفل ذهنی و نظری، ارزشی نخواهد داشت. به تعبیری ظریف، «منابع مادی مثل افکار عمومی، وجدان مشترک، عدالت، باورهای جمعی، همبستگی، پیوستگی اجتماعی و غیره، وجه مشترک عناصر غیرحقوقی و مجموعه درهم آمیخته‌ای از حقایق مادی (نیازهای اقتصادی، سازمان سیاسی و غیره) و بینش‌های آرمانی (سنتها، باورها، آرزوهای ملی و اجتماعی و غیره) است. معرفت به این حقایق مادی و بینشهای آرمانی که زیربنای منابع وضعی حقوق است، تنها از طریق کاوشهای جامعه‌شناختی و مطالعات فلسفی میسر است.»^۴ با این حال، تفاوت کار حقوقدانان با سیاسیون در این است که از حد معرفت‌شناسی غیرحقوقی فراتر رفته و وقایع را در ساختار نظام حقوق بین‌الملل قرار می‌دهند و رویکرد دستوری و بایسته محور حقوقی را در سایه ادراک هنجارهای حقوقی موجود ترسیم می‌کنند و گذار وضعیت

۱. نک به: دکتر نادر ساعد، حقوق بین‌الملل و نظام عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، (تهران، شهر دانش، ۸۴)، صص ۲۲۷-۲۲۶.

۲. همان منبع، ص ۱۴.

۳. نادر ساعد، چشم‌انداز حاکمیت دولتها در پرتو فرایند بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۸۴، ص ۳۵۲.

۴. دکتر هدایت اله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاصرات، (تهران، فرهنگ نشر نو، ۷۵)، ص ۷.

موجود روابط بین‌المللی را به وضعیت بایسته و مطلوب، مورد تاکید قرار می‌دهند (*law as it is*) هر چند ممکن است در برخی موارد، از نقد اوضاع و روابط اجتماعی بین‌المللی غافل مانده و به نقد حقوق موجود بپردازند و با تمرکز بر اجراز کاستی‌های حال، کمال مطلوب در روابط اجتماعی را در سایه تکامل و بایسته شدن نظم حقوقی به تصویر کشند (*law as it will or shall be*).

در تحلیل پرونده هسته‌ای ایران و قطعنامه‌هایی که چند سالی است توسط دو سازمان بین‌المللی خاص و عام علیه آن تصویب می‌شود، پرواضح است که عموماً اهمیت حقوقی تحلیل‌ها تحت الشعاع فزونی و شدت عمل سیاسی دولتهای عضو دائم شورا، تضعیف شده است به گونه‌ای که نه موضوع و مشکل موجود اساساً حقوقی است و نه اتکا به ادراک دقیق حقوق بین‌الملل موجود و ترسیم صحیح چارچوب تعهدات دولت (ایران) و گستره مشخص کارکرد رکنی بین‌المللی (شورای امنیت) قادر است به خودی خود مشکل موجود را حل نموده و راهگشای اصلی در خاتمه دادن به جدالی باشد که حقوق مذکور هرگز در شکل گیری آن نقشی نداشته‌اند. با این حال، درجه دو شدن اهمیت حقوق بین‌الملل در جدال مذکور مفید این معنا نیست که حقوقدانان نیز به همان تحلیل‌های سطحی و غیر حقوقی روی آورند که گویی در این تحلیل‌ها و این قضیه، در مقام حقوقدان نبوده‌اند و صرفاً نام حقوقدان را یدک کشیده‌اند. باری، مایه تاسف اینکه برخی چهره‌های آشنا در آموزش حقوق، متاثر از گسترش پیامدهای این جدال به سطوح عمومی اجتماع و تکیه صرف بر اینکه یک طرف جدال را ساکنان این سرزمین و بوم تشکیل می‌دهند، اسلوب و آداب قضاوت صحیح را کنار نهاده و بدون تحلیل، استنتاج نموده‌اند یا با کسب مقدماتی نتیجه، به تحلیل پرداخته‌اند و درصدد اثبات همان نتیجه‌ای برآمده‌اند که خود می‌خواسته‌اند. این شکوه که به سبک و سیاق کار حقوقی باز می‌گردد، از آن جهت زبانی بس عظیم برای دانش حقوق بین‌الملل در کشور است که پشتوانه‌های حقوقی عملکرد کشور را سست می‌سازد و با دلسوزیهای سطحی و غیر کارشناسانه چنان بر پیکر سیاست کشور در روابط بین‌المللی صدمه می‌زند که خصم نیز به سادگی قادر به کسب موقعیت ایجاد چنان صدماتی نخواهد بود. وظیفه حقوقدانی که تمایل به ایفای وظیفه اجتماعی خود در راهنمایی و مشاوره نهادهای دولتی و عمومی در حوزه روابط خارجی دارد، باید بهتر از هر کس، سره را از ناسره تشخیص دهد و فرصت و تهدید هر واقعه و وضعیت را متناسب با نظم حقوقی بین‌المللی ترسیم کند تا با تجمیع دیدگاههای سایر صاحب‌نظران، رویکردی جامع‌اندیشانه و جامع شرایط برای کشور حاصل گردد و نه اینکه با برداشت‌های نادرست و ساختگی از حقوق مذکور، سیاست‌های عمومی را در میان گزینه‌های مسیر طبیعی، چاله و چاه سردرگم سازد.

در واقع، روشن است که در نتیجه جدال هسته‌ای و برخی مسائل مرتبط با روابط خارجی و بین‌المللی کشور، نه تنها اهمیت دانش حقوق بین‌الملل به خوبی برای عموم محرز شده بلکه نیاز به دانش مذکور برای استفاده از آن در مجامع بین‌المللی و تحکیم روند استیفای حقوق ذاتی و مسلم کشور نیز، هم در سطح عمومی و جامعه علمی و نخبگان کشور و هم در سطوح تصمیم‌گیری‌های دولتی نیز شناخته شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. در این شرایط، لازم است این روند به نحو

صحیح هدایت گردد که فرایند توسعه تدریجی دانش حقوقی بین‌المللی در کشور را دوام و قوام بخشد و از سوی دیگر، لزوم توجه به ملاحظات عملی و مقتضیاتی که حقوق مسلم ملی را در گرداب مراودات و دادوستدهای سیاسی دولتهای مجهز به ابزارهای نفوذ بر روابط بین‌المللی تضعیف می‌کند، به آنچه بایسته است رهنمون سازد. در این راستا، به نظر می‌رسد که در کشورمان خلأ ناشی از وجود دیدگاه، رویکرد مستحکم موسوم به «دکترین حقوقی» کاملاً مشهود است. به طوری که اولاً قدرت تبع و ابتکار اندیشه‌ای و فکری در جامعه حقوقی بین‌المللی ما به ویژه متأثر از فضای خارجی و ادبیات غیربومی است. هرچند ادبیات حقوق بین‌الملل منشأ عمدتاً خارجی دارد اما برنامه‌ای در کشور وجود ندارد که محققین و دانشجویان حقوق بین‌الملل از این ادبیات گریز برداری نموده و با رعایت چارچوبی علمی و متکی به عرق ملی و اندیشه‌های حول محور حقوق جهان سوم، سره را از ناسره دریافته و به گمان خدمت به بشریت، آب در آسیابی نریزند که امروز و فردائی زود هنگام، موجب تعمیق حقوق دیگر دولتها و سلب امکان عمل توسط دولتهای در حال توسعه و در کل، بر هم زدن بایسته‌های منطق برابری میان حقوق دولتها (در نوع حقوق و در قبول یا رد حقوق و تعهدات) گردد. آرزو دارم روزی نهادهای صالح دولتی نظیر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که مسئول برنامه‌ریزی و هدایت امور علمی در کشور است، با تدوین چارچوب شکل‌گیری نهادی ملی و فراگیر در رابطه با حقوق بین‌الملل، زمینه‌های شکل‌گیری مکتبی حقوقی در چارچوب تعمیق حقوق جهان سوم و دفاع بایسته و غیرسیاسی از این حقوق در جامعه بین‌المللی معاصر را فراهم سازد، مکتبی که همانند مکتب نیوهاون، مدارس حقوقی بین‌المللی در کشور را تغذیه نماید و ضمن تربیت حقوقدانان برجسته بین‌المللی و فراهم ساختن امکان مشارکت آنها در جامعه حقوقی بین‌المللی، روند نامتوازن واردات ادبیات و اندیشه‌های حقوق بین‌الملل را خاتمه بخشیده و خلاقیت در ارائه اندیشه‌ها و در انداختن «طرح نو» در این عرصه را به عنوان زیرساخت استقلال علمی و فرهنگی و همچنین تحکیم پشتوانه علمی رویکرد و رویه بین‌المللی کشور استقرار بخشد.

نیازی به توضیح نیست که نقش حقوقدانان کشور در بحران‌ها و مسائل جدی بین‌المللی کشور که ابعاد حقوقی بین‌المللی عمیقی نیز دارند (خواه این ابعاد حقوقی، در حاشیه و یا متن موضوعات مذکور باشند)، بسیار اندک بلکه غیرمشهود است. این امر در سطح جامعه حقوقی داخلی به مراتب دور از انتظار است. برخی حقوقدانان در قبال پرونده هسته‌ای که موضوعی ملی در شرایط حاضر است، یا از اظهارنظر خود را معاف نموده و کنج عزلت گزیده‌اند یا بدون تحلیل علمی، با ترسیم تصویرهایی غیرواقعی از حقوق هسته‌ای و افراط در جستجوی راههای تضمین منفعت ملی، نهادهای حقوقی بین‌المللی را مورد توجه کافی قرار نداده، عقاید شگفت‌انگیزی را که قالب حقوقی ندارند، مطرح کرده و در کل پاک کردن صورت مسئله را بر یافتن راه حلی مناسب (حتی صرفاً از نظر حقوقی)،^۱ ترجیح

۱. انتظار نمی‌رود که حقوقدانان، راه حلی ارائه کنند که از منظر سیاسی نیز قابل حمایت باشد. با این حال، حضور موثر حقوقدانان در این عرصه موجب می‌شود که نیاز به تحلیل‌های حقوقی تا آن حد نباشد که افرادی حتی ناآشنا

داده‌اند.

مجموعه پیش رو، حاصل بررسی‌های استقرانی و تحلیل موردی هر یک از مسائل حقوقی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای کشور است. این نوشتار با تأکید بر اینکه پرونده هسته‌ای و کلیه اسناد و حواشی آن همانند تحلیل‌های فوق، در بند سیاست و معادلات قدرت قرار گرفته است، با تحلیلی صرفاً حقوقی و فارغ از افراط در موضع‌گیری به تبع اینکه دولت متبوع مخاطب قرار گرفته است، روند صدور قطعنامه‌های بین‌المللی شورای حکام و شورای امنیت و سردرگمی‌ها و معضلات حقوقی ناشی از بازیهای سیاسی بر سر عملکرد هسته‌ای ایران را تحلیل و ارزیابی خواهد کرد. گرچه نویسنده نیز از نقص مبرا نیست، اما این نوشتار را با تکیه بر سوابق شفلی و مطالعاتی در زمینه مسائل مرتبط با حقوق امنیت بین‌المللی و با در نظر گرفتن مبانی حقوق امنیت ملی که کمتر در اندیشه و دکترین حقوق بین‌المللی کشورمان مورد استقبال قرار دارد، تدوین و جمع‌آوری کرده ایم تا هم زمینه‌ای برای تحلیل‌های بین‌رشته‌ای حقوقی فراهم سازد و هم برای دانشجویان و علاقمندان به حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای، قابل استفاده باشد. باشد که این اقدام، در گسترش ادبیات حقوق بین‌الملل (با تلفیق ملاحظات نظری و عملی) به ویژه احیای تفکر حمایت از حقوق جهان سوم در اندیشه و رویه بین‌المللی، سهمیم گردد. یا ملاحظه مطالب این مجموعه، بر خواننده روشن خواهد شد که تحلیل‌های آن متأثر از روش تحقیق انتقادی است که از نظر روش‌شناسی تحقیق و پژوهش در حقوق بین‌الملل، اساساً به مکتب نیوهاون تعلق دارد.